

الفصل الثاني: في موجبات الضمان

فصل دوم: آنچه موجب ضمان است

وهي ثلاثة: مباشرة الإلتلاف، واليد، والسبب.

که سه مورد هستند: اقدام به تلف کردن، در اختیار داشتن، باعث تلف شدن

أما المباشرة:

اقدام به تلف کردن:

فنقول: قتل الصيد موجب لفديته، فإن أكله لزمه فداء آخر، فيفدي ما قتل ويضمن قيمة ما أكل. ولو رمى صيداً فأصابه ولم يؤثر فيه فلا فدية، ولو جرحه ثم رآه سوياً ضمن أرشه. وإذا لم يعلم حاله لزمه الفداء، وكذا لو لم يعلم أثر فيه أم لا.

می‌گوییم: کشتن به واسطه صید موجب کفاره می‌شود، حال اگر از آن صید بخورد کفاره دیگری نیز بر عهده‌اش خواهد بود؛ پس کفاره آنچه را که صید کرده است می‌پردازد و قیمت آن مقدار که خورده نیز بر ذمه‌اش خواهد بود. اگر تیری به سوی صید پرتاب کند و به آن برخورد کند ولی تأثیری نگذارد کفاره‌ای بر عهده‌اش نیست و اگر آن را مجروح کند سپس آن را سالم بیابد پرداخت «دیه» بر او لازم است و اگر خبری از وضعیتش نداشت یا نمی‌دانست تیر در او اثر کرده یا خیر، باید کفاره‌اش را بپردازد.

ولو اشترك جماعة في قتل الصيد ضمن كل واحد منهم فداءً كاملاً. ومن ضرب بطير على الأرض كان عليه دم وقيمة للحرم، وأخرى لاستصغاره. ومن شرب لبن ظبية في الحرم لزمه دم وقيمة اللبن. ولو رمى الصيد وهو محل فأصابه وهو محرم لم يضمنه، وكذا لو جعل في رأسه ما يقتل القمل وهو محل ثم أحرم فقتله.

اگر گروهی در کشتن صید همکاری کرده باشند هریک از آن‌ها باید یک کفاره کامل بپردازد. هرکس که پرنده‌ای را (در حرم) بزند و روی زمین بیفتد، یک قربانی بر عهده اوست و نیز دو قیمت پرنده (یکی به این دلیل که پرنده را در حرم صید کرده و دیگری برای اینکه حرمت حرم را کوچک شمرده است). کسی که از شیر آهوئی در حرم بنوشد یک قربانی و نیز قیمت شیری که نوشیده است بر عهده‌اش خواهد بود. اگر کسی که مُحرم نیست به سوی صیدی تیراندازی کند و تیر هنگامی که او مُحرم شده است به صید برخورد کند ضامن آن نیست (چیزی بر عهده‌اش نخواهد بود). اگر درحالی که مُحرم نیست چیزی روی سر خود قرار دهد که با آن شپش‌ها کشته می‌شوند، سپس مُحرم شود و شپش‌ها توسط آن بمیرند نیز حکم به همین صورت خواهد بود.

الموجب الثاني : اليد

دوم: در اختیار داشتن

ومن كان معه صيد فأحرم زال ملكه عنه ووجب إرساله، فلو مات قبل إرساله لزمه ضمانه، ولو كان الصيد نائياً عنه لم يزل ملكه. ولو أمسك المحرم صيداً فذبحه محرم ضمن كل منهما فداء، ولو كانا في الحرم تضاعف الفداء ما لم يكن بدنة، ولو كانا محلين في الحرم لم يتضاعف، ولو كان أحدهما محرماً تضاعف الفداء في حقه. ولو أمسكه المحرم في الحل فذبحه المحل ضمنه المحرم خاصة. ولو نقل بيض صيد عن موضعه ففسد ضمنه، فلو أحضنه فخرج الفرخ سليماً لم يضمه. ولو ذبح المحرم صيداً كان ميتة ويحرم على المحل، ولا كذا لو صاده وذبحه محل.

کسی که شکاری همراهش باشد سپس احرام ببندد مالکیتش از بین می‌رود و باید حیوان را رها کند و اگر پیش از رها کردن، آن حیوان بمیرد شخص صیاد ضامن آن خواهد بود. اگر حیوان شکار شده از او دور باشد مالکیت شکارچی از بین نمی‌رود. اگر شخص مُحرم صید را نگه دارد و شخص مُحرم دیگری آن را ذبح کند هرکدام از آن دو یک فدیة کامل بر عهده دارند و اگر در حرم باشند علاوه بر کفاره - اگر کفاره شتر فربه نباشد - ضامن قیمت شکار هم خواهند بود و اگر آن دو مُحرم نباشند ولی در حرم باشند چیزی به کفاره افزوده نمی‌شود و اگر فقط یکی از آن دو نفر مُحرم باشد فقط به کفاره او افزوده می‌گردد. اگر شخص محرم در بیرون از حرم شکار را نگه دارد و کسی که مُحرم نیست آن را ذبح کند، فقط فرد مُحرم باید کفاره بپردازد.

اگر تخم حیوانی که شکار محسوب می‌شود را جابه‌جا نماید و باعث فاسد شدن آن گردد ضامن خواهد بود، اما اگر از آن مراقبت کند تا جوجه سالم از آن خارج شود ضامن نخواهد بود. اگر شخص مُحرم، صیدی را ذبح کند، آن صید، مردار محسوب می‌شود و برای غیر مُحرم، حرام می‌گردد؛ اما اگر مُحرم آن را صید و مُحل آن را ذبح کند، چنین حکمی نخواهد داشت.

الموجب الثالث : السبب ، وهو يشتمل على مسائل:

سوم: باعث تلف شدن

که شامل چند مسئله است:

الأولى: من أغلق على حمام من حمام الحرم وله فراخ وبيض ضمن بالإغلاق، فإن زال السبب وأرسلها سليمة سقط الضمان. ولو هلكت ضمن الحمامة بشاة، والفرخ بحمل، والبيضة بدرهم إن كان محرماً، وإن كان محلاً ففي الحمامة درهم وفي الفرخ نصف، وفي البيضة ربع.

اول: کسی که باعث به دام افتادن کبوتری از کبوتران حرم گردد، درحالی که آن کبوتر دارای جوجه و تخم باشد، ضامن خواهد بود (ضامن کبوتر، جوجه و تخم)؛ حال اگر اسباب به دام انداختن از بین برود و کبوتر را به سلامت رها

سازد، دیگر ضامن نخواهد بود. اگر کبوتر هلاک شود به ازای کبوتر، یک گوسفند کفاره دهد، به ازای جوجه، یک برّه و به ازای تخم کبوتر یک درهم بپردازد و اگر شخص مُحرّم نباشد، به ازای کبوتر یک درهم، به ازای جوجه نصف درهم و به ازای تخم، یک چهارم درهم بپردازد.

الثانية: إذا نفر حمام الحرم فليس عليه شيء، والأفضل أن يتصدق.

دوم: اگر کبوتر حرم را بتاراند چیزی بر عهده اش نیست، اما بهتر است صدقه بدهد.

الثالثة: إذا رمى اثنان فأصاب أحدهما وأخطأ الآخر، فعلى المصيب فداء لجنايته، وكذا على المخطئ لإعاقته.

سوم: اگر دو نفر به سوی صیدی تیراندازی کنند و تیر یکی به هدف بخورد و دیگری به خطا رود، کسی که به هدف زده برای جنایتش باید کفاره بدهد و کسی که تیرش به خطا رفته نیز باید کفاره بدهد زیرا کمکش کرده است.

الرابعة: إذا أوقد جماعة ناراً فوق فيها صيد لزم كل واحد منهم فداء إذا قصدوا الاصطياد، وإلا ففداء واحد.

چهارم: اگر گروهی به قصد صید، آتشی بر پا کنند و صیدی داخلش بیفتد باید هرکدام از آنها یک کفاره بپردازد، اما اگر قصد صید نداشته اند، باید همگی با هم فقط یک کفاره بدهند.

الخامسة: إذا رمى صيداً فاضطرب فقتل فرحاً أو صيدا آخر كان عليه فداء الجميع، لأنه سبب للإتلاف.

پنجم: اگر صیدی را با تیر بزند و صید رم کند و جوجه و یا صیدی دیگر را بکشد، باید کفاره همگی را بدهد، زیرا او باعث تلف شدن آنها شده است.

السادسة: السائق يضمن ما تجنيه دابته (أو السيارة ووسائل النقل) ، وكذا الراكب إذا وقف بها، وإذا سار ضمن ما تجنيه بيديها.

ششم: شخصی که چهارپای (یا ماشین یا وسایل نقلیه دیگری) را می راند ضامن چیزی است که چهارپای او باعث هلاکتش می شود. اگر راکب، آن را متوقف کند نیز به همین صورت خواهد بود.^(۱) اگر پیاده سفر کند و باعث صدمه زدن به چیزی شود نیز ضامن خواهد بود.

1- مثلاً وسیله نقلیه خود را در وسط راه متوقف کند و به همین دلیل چیزی با آن تصادف کند و به او صدمه وارد شود. (مترجم)

السابعة: إذا أمسك صيداً له طفل فتلف بإمساكه ضمن، وكذا لو أمسك المحل صيداً له طفل في الحرم.

هفتم: اگر صیدی را که بچه‌دار است بگیرد و نگه دارد و به این واسطه بچه‌اش تلف شود، ضامن خواهد بود. اگر غیر مُحَرَّم، شکار بچه‌داری را درون حرم بگیرد نیز به همین صورت خواهد بود.

الثامنة: إذا أغرى المحرم كلبه بصيد فقتله ضمن، سواء كان في الحل أو الحرم، ولكن يتضاعف إذا كان محرماً في الحرم.

هشتم: اگر سگِ خود را به‌سوی صیدی روانه کند و سگش صید را بکشد ضامن است، چه داخل حرم باشد و چه خارج از آن؛ اما اگر مُحَرَّم و داخل حرم بوده باشد، علاوه بر کفاره ضامن قیمت هم می‌باشد.

التاسعة: لو نفر صيداً فهلك بمصادمة شيء، أو أخذه جارح ضمنه.

نهم: اگر صیدی را بتاراند و صید در اثر برخورد با چیزی هلاک شود یا پرندۀ شکاری شکارش کند، ضامن است.

العاشرة: لو وقع الصيد في شبكة فأراد تخليصه فهلك أو عاب ضمن.

دهم: اگر صید داخل تور گیر افتاده باشد و شخصی بخواهد آن را آزاد کند اما موجب هلاکت یا معیوب شدنش بشود، ضامن خواهد بود.

الحادية عشرة: من دل على صيد فقتل ضمنه.

یازدهم: شخصی که دیگران را به‌سوی صیدی راهنمایی کند و باعث کشته‌شدنش شود ضامن است.